

غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه جناب
رُشید هَجَری رحمته الله.

عنوان واقعه: حل مشکل وام قرض الحسنه منزل مسکونی با توسل به
حدیث شریف کساء و حضرات معصومین علیهم السلام.

شرح واقعه: آقای سرهنگ (آ.م) نقل می کنند: در جلسات معارف الهی
که در سال ۱۴۱۹ به توفیق مولا (منه السلام) شرکت می کردم توصیه می
شد که برای حل مشکلات و توفیقات در زمینه های مادی و معنوی؛
حدیث شریف کساء خوانده شود. مدتی بعد یکی از دوستان مراجعه
نموده و گفت: به ما یک دستگاه آپارتمان از طرف محل کار فروختند ولی
این آپارتمانها نیمه کاره بود، و باید خود فرد آن را کامل می کرد، و از
طریق دیگری نیز وام قرض الحسنه به افراد می دادند تا ساختمان نیمه
کاره را تکمیل کنند؛ ولی ایشان این موضوع را متوجه نشده بود که برای
تکمیل ساختمان؛ این وام به افراد داده می شود، وقتی مطلع شد که چند
ماهی از زمان تقاضای وام گذشته بود، به آن قسمت اداره که مربوط به
وام است مراجعه کرده بود؛ که به ایشان گفته بودند: زمان تقاضای وام
مذکور به اتمام رسیده است، و باید شما در نوبت بمانید، و نزدیک
دوهزار نفر جلوی شما هستند، آخراً مر آن اداره گفته بود: یک کار برای
شما می توانیم انجام دهیم، و آن این است که یک معرفی نامه به صندوق

قرض الحسنه مرکزی بنویسید؛ هر چه آنها گفتند؛ چون وام دهنده خود صندوق مرکزی می باشد؛ و همین صندوق به ما این تعداد نفر را اعلام کرده است. ایشان معرفی نامه را می گیرد که در فردای آن روز به صندوق قرض الحسنه مرکزی مراجعه کند. آن فرد می گوید: پیش خود گفتم ما در این دنیا پشت و پناهی جز حضرات معصومین علیهم السلام نداریم، البته نه اینکه این بزرگواران را برای امور دنیوی فقط بخواهیم، لذا صبح روز بعد؛ بعد از نماز صبح متوجه حضرات معصومین علیهم السلام شدم و با این حال با انقطاع کامل از ماسوی الله؛ یک حدیث کساء خواندم؛ و پیش خود گفتم: به آن اداره (صندوق مرکزی) مراجعه می کنم؛ اگر وام درست شد که فبها؛ و اگر هم درست نشد؛ سعی خودم را کرده ام. همینکه وارد اداره مرکزی شدم، پیش مسئول مربوطه رفتم؛ و معرفی نامه را ارائه دادم. ایشان همان حرف آن مسئول را زد و گفت: دو هزار نفر جلوی شما هستند؛ اگر می خواهید که نامه شما را در نوبت بگذارم؟ گفتم: باشد در نوبت بگذارید. در همین حین که مشغول صحبت بودیم؛ یک نفر که قبلا همین وام را گرفته بود آمد و گفت: من این وام را نمی خواهم. مسئول وام دچار تعجب شد و گفت: الله اکبر! و وام را به من داد؛ و این فرج و گشایش فوق العاده و غیرمنتظره؛ از برکات خواندن حدیث شریف کساء نصیب شد. والحمد لله رب العالمین.